

توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: زنان شاغل، منطقه ۱۸ شهر تهران)

زهره فنی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

z-fanni@sbu.ac.ir

مژگان فرج‌زاده (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

farajzade.m@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال که کدام رویکرد در کاهش فقر زنان منطقه ۱۸ شهر تهران و دستیابی به شاخص‌های پایدار شهری مؤثر است؟ و بر اساس فرضیه‌های متعاقب آن با عنوان: رویکرد توانمندسازی شغلی زنان منطقه ۱۸ تهران در فقرزدایی اقتصادی و به تبع آن تحقق بخشی از اهداف توسعه پایدار شهری مؤثر است، انجام شد. برای طراحی سؤالات و انتخاب متغیرهای توانمندی شغلی (متغیر مستقل) و فقرزدایی اقتصادی (متغیر وابسته) از دیدگاه‌ها و نظریه‌های جنسیتی، مرتبط با بازار کار، فقرزدایی، سرمایه انسانی، توانمندسازی و توسعه پایدار استفاده شده است. تعداد نمونه‌ها با T ۱/۹۶ و صفت آماری ۰/۱ (شاغلان) و ۰/۹ (بیکار)، تعداد ۱۳۶ نمونه برآورد شده است که جهت اطمینان بیشتر نمونه‌های آماری ۲۰۰ نفر از زنان شاغل منطقه ۱۸، جهت پرسشگری انتخاب شده است. در گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شده که در آلفای کرونباخ بین سؤالات ۰/۷۳ همسانی بوده است. با استفاده از روش‌های تحلیل واریانس تک‌متغیری و رگرسیون همزمان، ضمن تعیین سطح معناداری فقرزدایی حاصل از اشتغال در بین سه گروه، تفاوت گروه‌ها در ارتباط با میزان فقرزدایی سنجیده شده است. نتایج نشان داده است که هرچه امتیاز زنان در توانمندی شغلی در مقایسه با زنان با امتیاز کمتر (سطح متوسط و پایین)، بیشتر بوده، در فقرزدایی اقتصادی آنها تاثیر بیشتری داشته است؛ یعنی نقش اشتغال گروه توانمندتر در فقرزدایی، در مقایسه با دو گروه پایین‌تر (متوسط و پایین) دارای تفاوت معناداری بود.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، توانمندسازی زنان، فقرزدایی، توسعه پایدار، منطقه ۱۸ شهر تهران.

۱. مقدمه

معمولاً محرومیت و فقر انسانی در مطالعه‌ای تطبیقی و نسبت به همه گروه‌های اجتماعی سنجیده می‌شود و این مفهوم نسبی فقر در بسیاری از گزارش‌های علمی مرتبط به شیوه‌های گوناگون مورد کاوش قرار گرفته است. از نظر برخی از نویسندگان، بیشتر فقرا همچنین استنباطی درباره موقعیت اجتماعی خود دارند (موفقیان، ۱۳۸۲: ۳۷).

گسترش فقر و بیکاری، دو عنصری که همبستگی زیادی با هم دارند، منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله بحران‌های شهری، بیماری‌های روانی، جرم، تکدی‌گری، اعتیاد و غیره شده است و پیامدهای آن کل جامعه را درگیر می‌کند. برخی از پژوهشگران در حوزه فقرزدایی با تأکید بر توسعه فرصت‌های شغلی برابر جنسیتی استدلال کرده‌اند که پدیده فقر، به حدی مهم و ریشه‌ای است که هرگونه برخورد جداگانه‌ای با مسأله اشتغال بدون توجه به علل ریشه‌ای فقر، گمراه‌کننده خواهد بود (فنی، ۱۳۷۵: ۳ و خزائی، ۱۳۶۸: ۱۸). همچنین ارتباط آن با مسأله بیکاری در مقابل اشتغال، به حدی تنگاتنگ بوده که در گفت‌وگوهای فقر، همواره دو پدیده بیکاری و فقر با هم مورد توجه و بررسی قرار گرفته است (Kalthom .; Noraini . & Rachel . Wok, 2008: 1997). با مطالعه‌ای مقدماتی در شرایط و احوال فقیران شهری، می‌توان متوجه شد که بیشتر آن‌ها، از گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان هستند که با توجه به نامرئی بودن نقش فعالیتی‌شان در گذشته و وابستگی مالی به مرد خانواده، به ندرت جایگاه و شأن واقعی خود را یافته‌اند. با توجه به روابط متقابل انسان و فضا بر هم و همچنین نیاز به مشارکت همه اقشار جهت کاهش فقر، برنامه‌ریزی‌های شهری، بدون توجه به تأثیر سرمایه‌های انسانی و به‌ویژه نقش زنان، نمی‌تواند موفقیت‌چندانی در برنامه‌های کاهش فقر داشته باشد. مفهوم

توانمندسازی در کانون یک مفهوم‌سازی از توسعه- پارادیم تغییر- و توسعه استراتژی‌هایی برای فقرزدایی قرار داشته است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۵۴). یکی از تحلیل‌های بنیادی در پیامدهای نادیده‌گرفتن نیروی سازنده و توسعه‌ای زنان در بهسازی و بهبود زندگی و کالبد سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرها را می‌توان در پژوهش‌های اخیر رصد و بررسی کرد. (Estra. 2008: 75, فنی و صادقی، ۱۳۸۸: ۴۹)؛ (Bahramitash. & Fanni, 2011: 124)

به این ترتیب، میان توانمندسازی اقتصادی، شغلی و درآمدی زنان و شاخص‌های پایداری ارتباط نزدیکی وجود دارد و یکی از ضرورت‌های پژوهشی امروز جامعه شهری، بررسی، سنجش و تحلیل پیامدهای این توانمندسازی برخاسته از اشتغال‌زایی و بهبود شرایط اقتصادی زنان است که در این نوشتار با تأکید بر شاخص‌های توسعه پایدار، در منطقه ۱۸ شهرداری تهران، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. طرح مسأله

روشن است که از یکی از دلایل مهم تحقق نیافتن توسعه پایدار در سکونتگاه‌های انسانی و تشدید فقر و نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، افزایش میزان آسیب‌پذیری انسانی به-ویژه زنان بوده که علاوه بر شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، ریشه در روابط کاری زنان و مردان و وابستگی اقتصادی آن‌ها داشته است. البته با وجود تحولات مثبتی که سده‌هاست شروع شده و زنان زیادی در اثبات توانایی‌های خود و حضور در جامعه موفق بوده‌اند، اما هنوز زنان زیادی در برابر فقر و آسیب‌های ناشی از آن بسیار بیشتر از مردان، قرار دارند و همین مسأله، قدرت مقابله و رهایی از فقر را برای آن‌ها مشکل‌تر می‌کند. برخی نیز به اثرات ابعاد متعدد فقر زنان پرداخته و نوشته‌اند که این موضوع در رابطه مستقیم با برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار شهری قرار دارد (فنی. و صادقی، ۱۳۸۸: ۴۷). برخی دیگر معتقدند این

و یا نابرابری شغلی تنها مختص زنان نیست، و کل جامعه درگیر آن هستند؛ اما شاهد تفاوت‌هایی در وضعیت زنان و مردان هستیم و زنان در کنار مسائل و مشکلات عمومی، با مشکلات دیگری نیز روبه‌رو هستند». (باقری، ۱۳۸۳: ۷-۸). بنابراین در توجه به امر توانمندسازی شغلی جهت حل یا کاهش موانع مذکور پژوهش حاضر انجام شده و نتایج به-دست‌آمده از این پژوهش گواه اثرگذاری مثبت رویکرد توانمندی‌سازی شغلی بر فقرزدایی و به تبع آن تحقق اهداف توسعه پایدار بوده است.

۱. ۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پدیده فقر (Poverty) را ناتوانی انسان در برآورده ساختن آبرومندانه نیازهای بنیادی خود، به منظور رسیدن به یک زندگی متعادل و آرام به عنوان شرط لازم رسیدن او به کمال تعریف کرده‌اند (حسینی نژاد و اقتصادیان، ۱۳۸۳ به نقل از: حسن زاده و میرزا ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴). پدیده توانمندسازی (Empoverment) را به معنای «اعطای قدرت قانونی»، «اعطای اختیار» و «تواناسازی» معرفی کرده‌اند. در گفتمان توسعه، مفهوم توانمندسازی بازگویی رویکرد توسعه‌ای «پایین به بالا» و توسعه درون‌زاست (زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۰). توسعه پایدار شهری (Urban Sustainable Development)، به منزله تحقق شرایطی است که در آن‌ها، با تأکید بر کارکردها و ساختار شهر، اشتغال مولد، کاهش فقر، یکپارچگی اجتماعی و حفظ محیط زیست در اولویت قرار دارند (فنی، ۱۳۹۰: ۲۶۱-۲).

در ایران، درباره موضوع حاضر، به‌ویژه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، مطالعات دانشگاهی زیادی انجام شده است؛ ولی در هیچ‌یک به موضوع، با نگرش و ارتباط با توسعه پایدار پرداخته نشده است. از جمله مهم‌ترین این کارها عبارت‌اند از: شاطری امیری (۱۳۸۶): در مطالعه‌ای با عنوان «برآورد فقر و عوامل مؤثر بر آن در ایران» ضمن بررسی شاخص‌های فقر در دو منطقه شهری و روستایی، بیکاری را

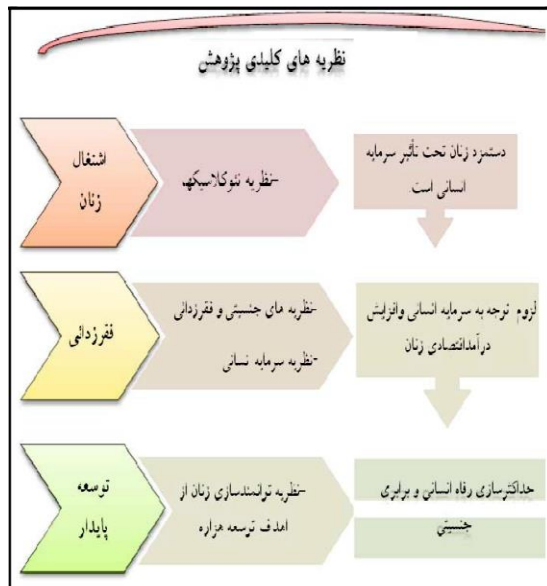
موضوع، تحت تأثیر سیاست‌های تقسیم کار و اشتغال، نظام آموزش و تأمین سرمایه از یک سو و ساختار فرهنگی و اجتماعی شهر و خانواده از سوی دیگر قرار دارد (احمدی خراسانی، ۱۳۸۰: ۱۶۷). همواره فقر با ابزار و روش‌های کمی مانند سبد کالای مصرف خانوار، نرخ درآمد سرانه و غیره سنجیده شده و در نتیجه آثار گوناگون آن بر کیفیت و کمیت زندگی انسان‌ها به درستی و یقین قابل سنجش و ارزیابی نبوده است؛ اما امروزه عناصر و نیروهای دیگری در این محاسبات و برنامه‌ریزی‌ها (از جمله رویکردهای توانمندسازی و تقویت سرمایه انسانی) وارد شده و کارشناسان به ارزش و نقش سرمایه‌های انسانی و به-خصوص قابلیت‌های گوناگون زنان در عرصه‌های اقتصادی-اجتماعی بیش از پیش پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها نشان داده که کاهش نابرابری‌ها می‌تواند به افزایش اشتغال زنان و از این رو فقرزدایی خانواده‌ان‌ها و جامعه کمک کند. آن‌ها دریافته‌اند که به دلیل رفع تبعیض-های جنسیتی در حوزه‌های گوناگون، گرایش بیشتری به خوداشتغالی در بین زنان دیده می‌شود (Calvez; Harper; Biehl and M. Flint, 2009: 14). همچنین با بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی زنان و خانواده‌ان‌ها، انتظار می‌رود وضعیت توسعه پایدار اقتصادی-اجتماعی در جامعه شهری نیز بهبود می‌یابد.

منطقه ۱۸ شهرداری تهران از جمله مناطقی است با شرایط خاص اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، با «مردمی غالباً مهاجر و درآمدی متوسط به پایین که گروه‌های کارگرنشین گروه غالب شغلی این منطقه هستند» (نوروز زاده، ۱۳۸۵: ۸۵). از سوی دیگر به دلیل جوانی جمعیت زنان منطقه که براساس آمار سازمان آمار، زنان ۲۴-۲۰ساله (در سن فعالیت اقتصادی) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، زنان منطقه مذکور در زمینه اشتغال با معضلات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی بیشتری روبرو هستند. «هر چند بیکاری و بداشتغالی

عنوان کسانی معرفی کرده که کلید مبارزه با فقر را در اختیار دارند.

۳.۱. نظریه‌های کلیدی پژوهش

برنامه‌ریزی شهری جهت تحقق بیشتر اهداف خود در شهرها نیازمند توجه به نقش هر دو جنس، زنان و مردان در برنامه‌ها است که شناخت و به‌کارگیری نظریات مرتبط، از الزامات رسیدن به این مهم است. دیدگاه‌های مورد توجه در این پژوهش، نظریه‌های جنسیتی و اشتغال زنان، نظریه‌های مرتبط با فقرزدایی و نظریه توسعه پایدار بوده‌اند که هر کدام از این دیدگاه‌ها، به نوعی بر چارچوب مفهومی و نظری پژوهش انطباق و تمرکز داشته‌اند. جهت استخراج متغیرهای پژوهش بر دیدگاه‌های نئوکلاسیک‌ها، سرمایه‌انسانی و توانمندسازی جنسیتی تأکید بیشتری شده است.



شکل ۱- (نظریه‌های کلیدی پژوهش)

مأخذ: (مطالعات نظری نگارندگان)

مدل مفهومی این مهم را می‌توان در قالب شکل به شرح ذیل

نیز نشان داد:

به عنوان یکی از متغیرهای کلان با اثر افزایشی در فقر، مورد بررسی قرار داده است.

حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های توانمندسازی زنان» اشاره می‌کند: جوامعی که بر توانمندسازی زنان تأکید دارند، از نظر رشد اقتصادی، اشتغال، کاهش فقر و توزیع درآمد، عملکرد بهتری دارند. لذا توانمندسازی نوعی سرمایه‌گذاری راهبردی است. غلام‌نیامی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، چرا و چگونه؟» توانمندسازی زنان را فرآیندی می‌داند که فرآیندی زنان فقیر را قادر می‌سازد که خود مختاری، و اعتماد به نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی در کنار گروهی از زنان و مردان برای تفوق بر شرایط اجتماعی، مسلط اقدام کنند.

کلانتری، شعبانعلی فمی و مهرما در سال ۱۳۸۹، به بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان همدان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر تسهیل توانمندسازی زنان، سه عامل مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی است. مهم‌ترین موانع را هم چهار مؤلفه فردی- روان‌شناختی، مشارکتی، زیرساختی و اجتماعی- نهادی، دانسته‌اند.

کاظمی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «توانمندسازی زنان راه توسعه هزاره سوم» با بررسی همایش بزرگداشت روز زن به سخنرانی‌های ایرادشده در این همایش اشاره کرده است، از جمله فردریک لاینز، هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد در ایران، که راه تحقق اهداف توسعه پایدار را در برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان دانسته و زنان را به

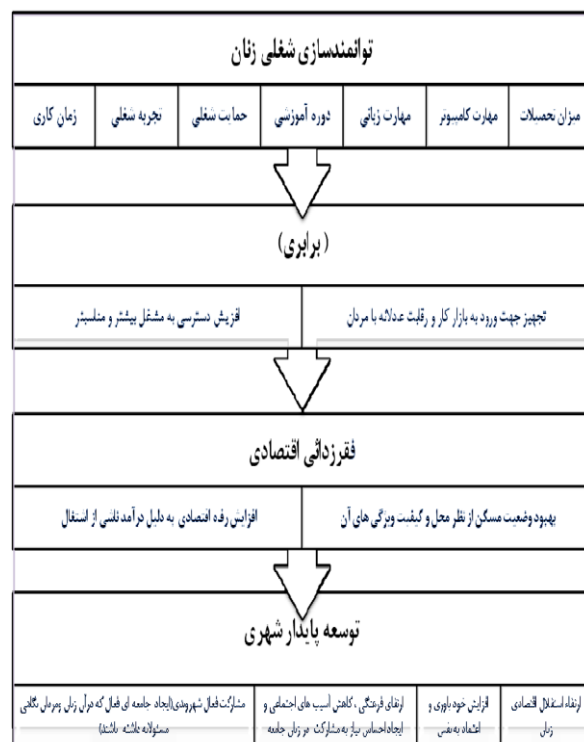
۱۳۶ نمونه برآورد شده که برای اطمینان بیشتر، نمونه‌های آماری ۲۰۰ نفر از زنان شاغل منطقه ۱۸، جهت پرسشگری انتخاب شده است. از آنجایی که نوع شغل و میانگین سنی در انتخاب نمونه‌های شاغل ما چندان مطرح نبود، بنابراین نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است. به منظور محاسبه پایایی پرسش‌نامه مورد استفاده از آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن برابر با ۰/۸۳ بوده است. در تحلیل داده‌های این پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تحلیل واریانس تک-متغیری، رگرسیون همزمان و آزمون تعقیبی توکی)، با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Excel استفاده شده است.

۲.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

بعد از انجام مطالعات گسترده و بهره‌مندی از منابع و نظریه‌های گوناگون در مورد موضوع مورد پژوهش، متغیرهای مستقل و تابع تحقیق به شرح زیر انتخاب شدند: متغیر توانمندسازی شغلی به عنوان متغیر مستقل در قالب هفت عامل: برخورداری از دوره آموزشی، میزان تحصیلات، تجربه شغلی، مدت زمان کاری، مهارت در کامپیوتر، مهارت در زبان و حمایت شغلی (مالی، معرفی به ارگانها و غیره)، در ارتباط با فقرزدایی اقتصادی به عنوان متغیر وابسته در قالب سؤالاتی مرتبط با میزان تأثیر درآمد حاصل از اشتغال بر فقرزدایی زنان و خانواده و تأثیر اشتغال بر تغییرات محل زندگی و کیفیت مسکن انتخاب شده است.

۳.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

پژوهش حاضر در میان زنان شاغل واقع در سن فعالیت اقتصادی؛ یعنی ۱۵ تا ۶۴ سال و ساکن در منطقه ۱۸ شهر تهران انجام گرفته است. این منطقه در جنوب غربی شهر قرار گرفته است که دارای ۷ ناحیه و ۱۶ محله است. هسته اولیه این منطقه، روستایی به نام «یافت‌آباد» بوده که بر اثر گسترش مهاجرت توسعه یافته است و در سال ۱۳۵۹ به عنوان منطقه



شکل ۲- طرح مفهومی اثرات توانمندسازی شغلی زنان بر

فقرزدایی و توسعه پایدار شهری

مأخذ: نتایج بررسی‌ها و مطالعات نظری نگارندگان، ۱۳۹۰

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت موضوع، از دو روش اسنادی-تحلیلی (کتابخانه‌ای، اینترنتی) و میدانی (پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده) استفاده شده است. در بخش مطالعه اسنادی آن، از رویکردها و برنامه‌های اجراشده و یا در حال بررسی و اجرا توسط مدیران شهری و سازمان‌های غیردولتی در سطح منطقه مورد مطالعه بهره‌برداری شده است، سپس با انتخاب متغیرهای توانمندسازی شغلی بر اساس مطالعات نظری-اسنادی به تدوین سؤالات پرسش‌نامه اقدام شده است. بعد از مطالعه و انتخاب شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش، زنان شاغل (جمعیت نمونه) که حدود ۲۰۰ نفر به طور تصادفی بوده، مورد آزمون قرار داده شد. تعداد نمونه‌ها، با $T/96$ و صفت آماری $0/1$ (شاغلان) و $0/9$ (بیکار)، تعداد

جدید به شهر تهران الحاق شده است (نوروززاده، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۵). براساس آمار سازمان آمار، جمعیت زنان منطقه ۱۸ تهران ۳۰۳۰۰ نفر بوده که از بین این جمعیت ۱۲۵۴۵ نفر آن فعال و تنها تعداد ۱۰۰۸۸ نفر از آن شاغل بوده‌اند؛ یعنی در چرخه اقتصاد نقش تولیدکننده داشته و دارای درآمد بوده‌اند. بنابراین جامعه از سرمایه بالقوه بخش دیگری از زنان محروم بوده و یا به عبارتی دیگر بخش قابل توجهی از زنان این منطقه از شهر، در زمره قشر آسیب‌پذیر و وابسته بوده که در معرض احتمالی فقر شهری قرار دارند (فرج‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۳).

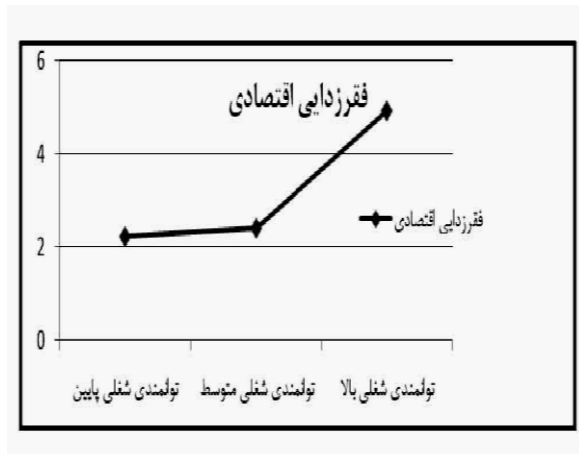
۳. یافته‌های پژوهش

به منظور شناخت بیشتر نواقص و خلأها در حوزه برنامه‌ریزی‌ها برای توانمندسازی شغلی و فقرزدایی جنسیتی در این پژوهش، منطقه ۱۸، یکی از مناطق جنوب کلان‌شهر تهران و در معرض فقر (اقتصادی) انتخاب و در راستای اهداف فقرزدایی با استفاده از مشارکت زنان شاغل (جمعیت نمونه) که حدود ۲۰۰ نفر به طور تصادفی بوده، مورد آزمون قرار داده شده است. تعداد نمونه‌ها، با $T/96/1$ و صفت آماری $0/1$ (شاغلان) و $0/9$ (بیکار)، تعداد ۱۳۶ نمونه برآورد شده که برای اطمینان بیشتر، نمونه‌های آماری ۲۰۰ نفر از زنان شاغل منطقه ۱۸، جهت پرسشگری انتخاب شده است. از آنجایی که نوع شغل و میانگین سنی در انتخاب نمونه‌های شاغل ما چندان مطرح نبوده، بنابراین نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است. نگارندگان، با تأکید بر اهداف ذیل اثرات اشتغال زنان بر توسعه پایدار شهری در این منطقه را مورد بررسی قرار داده و معتقدند که این مطالعات می‌تواند به تنظیم الگوهای اجرایی مؤثری در جهت ریشه‌کنی فقر شهری و در نهایت به تحقق بخشی از اهداف توسعه پایدار شهری منجر شود. هدف اصلی انجام این پژوهش، ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات خودجوش توانمندسازی اقتصادی است که جایگاه و

اهمیت خاصی در فرآیند توسعه اقتصادی-اجتماعی جوامع دارند. با مطالعه قابلیت‌های این رویکردها به‌ویژه در ارتقای کیفیت زندگی، از جمله برنامه‌ها و طرح‌های خوداشتغالی و کارآفرینی، لزوم تأمین و دستیابی برابر همگانی به فرصت‌های شغلی و استقلال اقتصادی که از حقوق اولیه انسانی است، ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند. این پژوهش بر پایه یک سؤال اصلی و فرضیه متناظر آن شکل گرفت: «کدام رویکرد در کاهش فقر زنان منطقه ۱۸ شهر تهران و دستیابی به شاخص‌های پایداری شهری مؤثر است؟» و فرضیه آن به این صورت است: «رویکرد اقتصادی توانمندسازی شغلی زنان منطقه ۱۸ تهران در فقرزدایی و تحقق اهداف توسعه پایدار شهری مؤثر است».

به منظور تعیین اثرات توانمندسازی شغلی زنان پرسش-شونده بر فقرزدایی آن‌ها، ابتدا سطح توانمندی شغلی نمونه‌ها مورد آزمون گرفت. به این ترتیب که ابتدا مشخصات توصیفی متغیرهای اصلی و آزمون سؤالات پژوهش پس از به‌دست آوردن نمره توانایی هر فرد بر اساس متغیرهای مربوط به توانمندی، به دست آمد که دارای دامنه ۱۳ تا ۳۲ و با میانگین $21/88$ و انحراف استاندارد $3/96$ بود و نمونه‌ها بر اساس میزان امتیازی که از سؤالات مرتبط با متغیر اصلی (توانمندی شغلی) به دست آورده بودند به سه سطح توانمندی پایین، توانمندی متوسط و توانمندی بالا دسته‌بندی شدند. به این ترتیب که افراد دارای نمره توانمندی زیر ۲۰، دارای توانمندی ضعیف، افرادی با امتیاز بین ۲۰ تا ۲۴، توانمندی متوسط، و افرادی را که نمره توانمندی بالاتر از ۲۴ را کسب کردند دارای توانمندی بالا نامیده شدند. مشخصات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) این سه سطح توانمندی (متغیر مستقل پژوهش) در ارتباط با متغیر وابسته پژوهش (فقرزدایی اقتصادی) در جدول (۱) گزارش شده است.

نیز نشان داده شده است. برای اطلاعات بیشتر در مورد متفاوت بودن سه گروه توانمندی شغلی از لحاظ فقرزدایی اقتصادی از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است (جدول ۳).



شکل ۳- مقایسه میانگین سه سطح توانمندی در متغیر فقرزدایی اقتصادی

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۹۰

تفاوت معنادار میانگین‌ها در شکل (۳) نشان می‌دهد که زنان شاغلی که از نظر میزان توانمندی شغلی، بیشترین امتیاز را کسب کرده بودند، از حیث اقتصادی موقعیت بهتری نسبت به دو گروه دیگر یافته‌اند؛ اما دو گروه متوسط و پایین تفاوت چندانی باهم نداشتند؛ یعنی تفاوتشان از نظر میزان فقرزدایی اقتصادی معنی دار نبود.

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه فقرزدایی

اقتصادی در سه سطح توانمندی

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۹۰

متغیر	سطح I	سطح II	تفاوت میانگین	Sig
فقرزدایی اقتصادی	سطح پایین	سطح متوسط	-۰/۱۶۴	۰/۸۵
		سطح بالا	-۲/۶۹	۰/۰۱
	سطح متوسط	سطح پایین	۰/۱۶۴	۰/۸۵
		سطح بالا	-۲/۵۳	۰/۰۱

ملاحظه جدول (۳) نشان می‌دهد که در مقایسه دو به دو بین سطوح توانمندی شغلی از نظر میزان فقرزدایی

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد سه سطح توانمندی متغیر اصلی)

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارنده، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۸۹

فقرزدایی اقتصادی		
توانمندی شغلی	M	SD
توانمندی شغلی پایین	۲/۲۲	۱/۵۲
توانمندی شغلی متوسط	۲/۳۸	۱/۸۰
توانمندی شغلی بالا	۴/۹۱	۱/۸۱

بین میانگین‌های سه سطح توانمندی در ارتباط با دو متغیر وابسته (فقرزدایی اقتصادی)، تفاوت‌هایی وجود دارد (جدول ۱)؛ اما این‌که این تفاوت از حد شانس و تفاوت بالاتر است یا نیست، مشخص نیست. به منظور آزمون این تفاوت، از تحلیل واریانس تک‌متغیری (ANOVA) استفاده شده که خلاصه نتایج مربوط به آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای متغیر فقرزدایی

اقتصادی

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۹۰

Sig	F	MS	Df	SS	
۰/۰۰۱	۳۷/۷۴	۱۱۲/۲۰	۲	۲۴۴/۴۰	فقرزدایی اقتصادی
		۲/۶۷	۱۹۷	۵۲۶/۱۵	خطا
			۲۰۰	۲۳۱۷	کل

در جدول (۲) ($F=37/74$ ؛ $P<0/01$) نشان از معنی-

داری تفاوت بین سه سطح توانمندی شغلی در میزان فقرزدایی اقتصادی زنان دارد. این تفاوت معنادار میانگین‌ها در شکل (۳)

1- Mean (میانگین)

۲- Standard deviation (انحراف استاندارد)

۳- تحلیل واریانس (ANOVA) (Analysis Of Variance): به منظور مقایسه بیش از دو گروه (متغیر مستقل) در یک متغیر کمی (متغیر وابسته) از تحلیل واریانس استفاده می‌شود.

۴- مقدار به دست آمده از فرمول

۵- Sig (سطح معناداری)، که اگر زیر ۰/۰۵ باشد نشان از معناداری دارد و اگر بالای ۰/۰۵ باشد عدم معناداری را نشان می‌دهد.

جدول ۵- ضرایب استاندارد عوامل توانمندی در پیش‌بینی

فقرزدایی اقتصادی

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۹۰

متغیر	B	β	T	Sig
تحصیلات	۰/۳۳	۰/۲۴	۲/۶۲	۰/۰۱
مهارت زبانی	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۴۳	۰/۰۴
مهارت	۰/۴۱	۰/۲۳	۲/۷۵	۰/۰۰۷
تجربه شغلی	۰/۸۷	۰/۲۵	۳/۵۰	۰/۰۰۱
زمان کاری	۰/۲۵	۰/۱۰	۱/۳۵	۰/۰۵
حمایت شغلی	۰/۲۰	۰/۱۴	۱/۷۴	۰/۰۴
دوره آموزشی	۰/۲۴	۰/۰۷	۰/۹۰	۰/۰۳

جدول (۵) نشان می‌دهد که همه عوامل توانمندی شغلی دارای نقش معناداری در پیش‌بینی فقرزدایی اقتصادی دارند. که این نقش بر اساس مقدار β است که نقش هر یک از عوامل به ترتیب اهمیت و مقدار تبیین، شامل تجربه شغلی، تحصیلات، مهارت کامپیوتری، حمایت شغلی (مالی و غیره)، مدت زمان کاری، دوره آموزشی و مهارت زبانی است؛ به عبارت دیگر این که تمامی عوامل توانمندی در فقرزدایی اقتصادی دارای نقش هستند و موجب از بین رفتن فقر اقتصادی می‌شوند؛ اما در بین این ۷ متغیر، تجربه شغلی با ۰/۲۵، میزان تحصیلات با ۰/۲۴ و مهارت در زمینه کامپیوتر با ۰/۲۳، به ترتیب بیشترین اثرگذاری را در فقرزدایی اقتصادی داشته‌اند.

بعد از تعیین اثرات توانمندسازی شغلی در فقرزدایی اقتصادی در مرحله دیگر پژوهش، سطح توانمندی شغلی پرسش‌شوندگان طبق عناوین شغلی عمده آن‌ها که به طور کلی شامل چهار گروه عمده (۱- کارگر ۲- کارمند ۳- خوداشتغال و ۴- کارآفرین) بودند، سنجیده شده است. به منظور مقایسه سطوح شغلی افراد از لحاظ فقرزدایی اقتصادی از تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شده است که خلاصه نتایج مربوط در جداول (۶ و ۷) گزارش شده است.

اقتصادی‌شان، بین دو سطح توانمندی پایین و متوسط تفاوت معناداری وجود ندارد ($DM=-0/164, P>0/01$)؛ اما گروه دارای توانمندی سطح بالا هم از گروه دارای توانمندی پایین ($DM=-2/69, P<0/01$) و هم از گروه دارای توانمندی متوسط ($DM=-2/53, P<0/01$) متفاوت است؛ به عبارت دیگر، گروه دارای توانمندی شغلی بالاتر نسبت به دو گروه دیگر باعث فقرزدایی معنی‌داری شده است. علاوه بر این به منظور تعیین نقش هر یک از عوامل توانمندی در پیش‌بینی فقرزدایی اقتصادی از رگرسیون همزمان استفاده شده است که خلاصه نتایج در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴- خلاصه مدل رگرسیونی فقرزدایی اقتصادی بر اساس

عوامل توانمندی شغلی

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸،

۱۳۹۰

	SS	Df	MS	F	Sig	R	R ²
رگرسیون	۹۴/۴۶	۷	۱۳/۴۹	۵/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۴۱۹	۰/۱۷۵
باقی‌مانده	۴۴۴/۲۷	۱۹۹	۲/۵۸				
کل	۵۳۸/۷۳	۱۹۹					

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد عوامل توانمندی

توان پیش‌بینی ۰/۱۷۵ درصد از واریانس فقرزدایی اقتصادی را دارند؛ به این معنی که دارای ۰/۱۷۵ واریانس مشترک هستند. به منظور تعیین نقش هر یک از عوامل ضرایب استاندارد در جدول (۵) گزارش شده است.

پژوهش نیز اهمیت توانمندسازی شغلی را در دسترسی به مشاغل و درآمد مناسب‌تر و در نتیجه فقرزدایی بیشتر تأیید می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در آزمون فرضیه ابتدا باید مشخص می‌شد که آیا نمونه‌های انتخابی از نظر شغلی توانمند هستند یا نه؟ جهت تعیین میزان توانمندی نمونه‌ها، امتیاز متغیر اصلی و آزمون سؤالات پژوهش برای هر فرد بر اساس متغیرهای مربوط به توانمندی، مشخص شد. امتیازات به دست آمده، در سه سطح توانمندی پایین، توانمندی متوسط و توانمندی بالا دسته‌بندی شد. با توجه به وجود تفاوت در میانگین سطوح توانمندی در متغیر فقرزدایی اقتصادی (میانگین سطح توانمندی بالا در مقایسه با سطوح توانمندی متوسط و پایین در متغیر وابسته متفاوت بود) برای تعیین معنی داری این تفاوت در ارتباط با متغیر وابسته، با استفاده از تحلیل واریانس تک‌متغیری (ANOVA) نتایج نشان داد که زنان با توانمندی شغلی بالاتر نسبت به زنانی که از توانمندی شغلی پایین‌تری (توانمندی متوسط و پایین) برخوردار بودند، فقرزدایی بیشتری را تجربه کرده بودند. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید شده و بر اساس توجه به نظریه سرمایه انسانی که تئوری نئوکلاسیک نیز از آن تبعیت کرده‌اند. تأکید بر آموزش‌های رسمی (تحصیلات) و غیررسمی (تجربه، که با سابقه کار سنجیده می‌شود) حجم و شدت فقر را محدودتر خواهد کرد. در این پژوهش نیز بر اساس جدول (۵) تجربه شغلی و میزان تحصیلات تأثیرگذاری زیادی در دسترسی به مشاغل با درآمد مناسب‌تر و پیامد آن فقرزدایی اقتصادی را برای این قشر فراهم کرده است، همچنین نقش برجسته مهارت‌های کامپیوتری، به عنوان یک قابلیت مهم و ضروری بازار کار امروز، خود زمینه‌ساز قابلیت‌های دیگری از جمله جهت سهولت در انجام کارها، دسترسی به اینترنت و اطلاع از بازار کار بوده است؛ اما نکته قابل توجه میزان

جدول ۶- تحلیل واریانس سطوح چهارگانه شغلی برای

فقرزدایی اقتصادی

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۹۰

منبع	SS	Df	MS	F	Sig
سطح	۶۷/۶۵	۳	۲۲/۵۵	۸/۴۲	۰/۰۰۱
خطا	۴۷۱/۰۸	۱۹۶	۲/۴۰		
کل	۱۶۲۹	۲۰۰			

جدول (۶) نشان می‌دهد که در بین چهار سطح شغلی از لحاظ فقرزدایی تفاوت وجود دارد، به این معنی که حداقل بین دو نوع شغل از لحاظ فقرزدایی اقتصادی تفاوت وجود دارد که به منظور مشخص کردن تفاوت گروه‌ها از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

جدول ۷- نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه فقرزدایی اقتصادی

در چهار نوع شغل

مأخذ: برداشت‌ها و مطالعه میدانی نگارندگان، تهران: منطقه ۱۸، ۱۳۹۰

متغیر	شغل I	شغل II	تفاوت میانگین	Sig
فقرزدایی اقتصادی	کارگر	کارمند	-۰/۸۸	۰/۰۱
		خوداشتغالی	-۱/۱۸	۰/۰۱
		کارآفرین	-۲/۸۳	۰/۰۱
	کارمند	خوداشتغالی	-۰/۳۰	۰/۰۴
		کارآفرین	-۱/۸۵	۰/۰۲
	خوداشتغالی	کارآفرین	-۱/۵۵	۰/۰۳

جدول (۷) نشان می‌دهد که بین تمامی گروه‌های شغلی در میزان فقرزدایی اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنی که طبقه کارمند نسبت به کارگر توانسته است موفقیت بیشتری در فقرزدایی اقتصادی خود و خانواده خود داشته باشد. زنان خوداشتغال نسبت به زنان در طبقه کارگر و کارمند به موقعیت اقتصادی بالاتری دست یافته است و در نهایت، طبقه زنان کارآفرین نسبت به گروه‌های شغلی دیگر، باعث فقرزدایی بیشتری شده‌اند. یافته‌های این بخش از

آن‌ها را بر فقرزدایی و توسعه پایدار شهری هدف قرار داده به نتایج کلی تری به شرح ذیل نیز دست یافته است:

- با توجه به این که شهرها و به خصوص کلان شهر تهران، به عنوان پرجاذبه ترین مقصد جمعیت در جستجوی کار؛ مانند سایر شهرهای جهان در حال توسعه، با مسأله فقر و بیکاری درگیرند، زنان بیشترین میزان محرومیت را متحمل می شوند و از دلایل عمده آن عدم توانمندی شغلی و فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار امروز بوده است.

- مدیران شهری و نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت فقرزدایی با رویکردهایی چون توانمندسازی شغلی، سعی در ایجاد زمینه‌های اشتغال و کاهش فقر به ویژه در مناطق ضعیف را داشته و دارند و علی‌رغم محدودیت‌های زیاد در ارایه امکانات در این زمینه، هنوز محدودیت‌های مدیریتی و بخشی عمل کردن ارگان‌ها از جمله موانعی هستند که باید مرتفع شوند.

- ضمن تأیید اثر افزایشی توانمندسازی شغلی بر فقرزدایی اقتصادی و پیرو آن، تحقق اهداف توسعه پایدار شهری با توجه به نتایج قابل توجه توانمندسازی شغلی زنان این منطقه، مشخص شد که سرمایه‌گذاری در این زمینه به ویژه در زمینه کارآفرینی بسیار مؤثر بوده و توجه به اشتغال زنان به ویژه گسترش فرهنگ کارآفرینی در بین زنان منطقه، نیاز به سرمایه‌گذاری و نهادسازی بیشتری دارد؛ اما با توجه به محدودیت امکانات و عدم هماهنگی ارگان‌ها و بخشی عمل کردن آن‌ها لازم است که برای انسجام و تحقق این هدف و نتایج مثبت، همه ارگان‌های مسؤول در یک کانون واحد مانند تعاونی‌های خوداشتغالی، برنامه‌های خود را اجرا کنند و با هم همکاری بیشتری از نظر آموزشی و مالی و نیز ایجاد یک بازار مطمئن جهت عرضه محصولات زنان خوداشتغال و کارآفرین داشته باشند. ایجاد و ادغام تعاونی‌های زنان شاغل با وجود یک صندوق مالی که سرمایه آن از حمایت ارگان‌های مسؤول و نیز سرمایه‌گذاری زنان شاغل منطقه تأمین شود، ضمن

تأثیرگذاری پایین دوره آموزشی در بین متغیرهای توانمندسازی شغلی بوده است، با وجود این که تعداد ۹۲ نفر از بین ۲۰۰ نمونه از دوره‌های آموزشی شغلی استفاده کرده‌اند؛ اما این عامل از نظر آن‌ها در فقرزدایی اقتصادی‌شان اثر کمتری داشته است، که از دلایل آن می‌توان کاربردی نبودن دوره‌های آموزشی، عدم نیازسنجی مناسب جهت بازار کار در این دوره-ها و فقدان پشتوانه لازم بعد از اتمام دوره‌های آموزشی را ذکر کرد.

همچنین در این پژوهش ضمن تعیین پیشنهادی بودن نقش زنان کارآفرین در فقرزدایی اقتصادی، اهمیت توجه به موضوع توانمندسازی به ویژه با محور کارآفرینی در جهت فقرزدایی و در نهایت خلق فضای کارآفرینی در این منطقه از شهر را بیش از پیش ضروری می‌سازد. در تکمیل این نتیجه که در جدول (۷) نشان داده شد، در بخش نهایی پژوهش در قالب سؤالات باز و مصاحبه با مدیران و کارشناسان شهری و ارگان‌های مرتبط با توانمندسازی شغلی، میزان مشارکت زنان مورد مطالعه در روند توانمندسازی آن‌ها، سنجیده شد. با توجه به نتایج به دست آمده، میزان مشارکت شهروندی و نیز سطح آگاهی زنان کارآفرین در جریان برنامه‌ها و فعالیت‌های توانمندسازی در بین دیگر نمونه‌ها بیشتر بود؛ به عبارت دیگر، زنان توانمندتر و موفق‌تر از نظر شغلی، که زنان کارآفرین در صدر آن‌ها قرار داشتند، بیشترین احساس نیاز به مشارکت و حتی مشارکت فعال شهروندی (در قالب اقداماتی جهت بهبود محله خود و کمک‌های انسان‌دوستانه به نیازمندان) را تجربه کرده بودند. در نتیجه توانمندسازی شغلی بالا نه تنها از لحاظ دسترسی به مشاغل پردرآمدتر و قدرت اقتصادی بیشتر؛ بلکه از نظر فرهنگی نیز موجب ارتقای سطح آگاهی و مشارکت شهروندی نمونه‌ها شده است.

این پژوهش، با تأکید بر برنامه‌ها و فعالیت‌های توانمندسازی شغلی زنان در یکی از مناطق جنوب کلان‌شهر تهران، با مشخصه جمعیتی عمدتاً مهاجر با درآمد پایین، اثرات

نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی و اشتغال زنان، موانع پیش پای شغلی زنان و ضرورت برنامه ریزی کلان جامع برای آن، به ویژه در قالب برنامه توسعه کارآفرینی در سطح مناطق فقیر شهری، به عنوان راهکاری جهت فقرزدایی اقتصادی و تحقق توسعه پایدار شهری، ضروری است.

با تأیید اثرات بهبود توانمندسازی شغلی زنان این منطقه بر میزان فقرزدایی آن‌ها و خانواده‌هایشان و نیز پیش‌تاز- بودن زنان کارآفرین در فقرزدایی، اهمیت مسأله توانمندسازی

کتاب‌نامه

۱. آلیاندرو گ. (۱۳۸۲). سیاست‌های فقرزدایی (راهبردهای فقر در کشورهای در حال توسعه. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۲. احمدی خراسانی، ن. (۱۳۸۰). زنان زیر سایه‌های پدرخوانده‌ها (مجموعه مقالات). تهران: نشر توسعه. ص ۱۶۷.
۳. باقری، ش.، (۱۳۸۳). اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته). تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان
۴. جولی، ر. (۱۳۶۸). اشتغال در جهان سوم (مسائل و استراتژی‌ها)،. ترجمه محمد خزائی. تهران: وزارت برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات
۵. حسینی، س. م. (۱۳۸۸). شاخص‌های توانمندسازی، تهران: روزنامه جام جم. ۸۸/۴/۹.
۶. حسینی نژاد، م. و اقتصادیان. م. (۱۳۸۳). بررسی عملکرد برنامه‌های اول و دوم توسعه در کاهش فقر مناطق شهری و روستایی کشور. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۷. زاهدی، م. ج. (۱۳۸۸). نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه پایدار. تهران: نشر مازیار.
۸. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر فقر در ایران. ۷۹/۱۰. صص ۹۱-۹۲
۹. شاطری امیری. م. (۱۳۸۶). برآورد فقر و عوامل مؤثر بر آن در ایران. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد اقتصاد. دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران. ایران.
۱۰. طالقانی، غ.؛ پورعزت ع. ا. و فرجی. ا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سقف شیشه‌ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران. تهران. نشریه مدیریت دولتی. دوره ۱. شماره ۲. صص ۱۰۲-۸۹.
۱۱. غلام نیارمی، آ. (۱۳۸۹). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، چرا و چگونه؟ تهران: روزنامه خانه ملت. ۱۳۸۹/۱۲/۱۶
۱۲. فرج زاده، م. (۱۳۹۰). نقش اشتغال زنان در فقرزدایی و توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: منطقه ۱۸ تهران). پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشکده علوم زمین. دانشگاه شهید بهشتی. ایران.
۱۳. فنی. ز. (۱۳۷۵). تحلیل اقتصادی فقر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۴. فنی. ز. و صادقی ی. (۱۳۸۸). توانمندسازی حاشیه‌نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: اسلام‌آباد منطقه ۲ تهران). ملایر. آمایش محیط. زمستان. ش. ۷. صص ۶۰-۶۶.
۱۵. فنی. ز. (۱۳۹۳). مطالعات و جغرافیای شهری معاصر (مفاهیم و دیدگاه‌های بنیادی). تهران: سمت.
۱۶. کاظمی، ا. (۱۳۸۳). توانمندسازی زنان راه توسعه هزاره سوم. تهران: روزنامه عصر اقتصاد. ۸۳/۱۲/۲۱

۱۷. کلانتری. خ؛ شعبانعلی فمی. ح. و مهرهما س. (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان همدان. *مجله توسعه روستایی (نامه علوم اجتماعی)*. دوره ۱. ش ۲. صص ۱۰۷-۱۲۴.
۱۸. مامسن، ژ. (۱۹۳۸). جنسیت و توسعه، ترجمه زهره فنی. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. نوروززاده، ج. (۱۳۸۴). *بانک اطلاعات منطقه ۱۸*، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران فرهنگسرای خاتم با همکاری و مشارکت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۸.
20. Bahramitash, R., & Fanni, Z. (2011). *Extra-legal informal settlements, does gender matter?* New York: Routledge.
21. Calvez, T. G., Harper, K., Biehl, A., & Flint, M. (2009). *Self-employed women and time use*. USA: SBA (small business administration). Available in: http://www.sba.gov/sites/default/files/rs341tot_0.pdf, 1- 52
22. Esra, T. (2008). The women employment problems and solutions in sustainable development (Case study: Turkey). *Humanity and Social Sciences Journal*, 3, 49-56.
23. Kalthom, A., Noraini, M., & Wok S. (2008). The perceptions of women's roles and progress: a study of Malay women. *Springer Science + Business Media B.V.* 89(3), 439-455.
24. Rachel, M. (1997). Urbanization and urban poverty: A gender analysis, *BRIDGE (development-gender)*, Report No. 54, P 18, UK: Institute of Development Studies. Available in: www.bridge.ids.ac.uk/reports/re54.pdf.